خبر

کسانی که به امام زهر دادند الان هم فعالند

محمـود احمدی‌نژاد گفت: بعضی‌ها که جام زهر را در دوران دفاع مقدس به کام امام ریختند، الان هم فعال هستند. به گزارش ایرنا، وی در هجدهمین نشست سراسری افق رسانه که در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، حضور یافت. وی با اشاره به صدور قطعنامه‌های ضدایرانی شورای امنیت گفت: باور من این است که این قطعنامه‌هایی که صادر می‌کنند برای دفاع از موجودیت سیاسی خودشان است.

ادامه از صفحه اول

صریح با پیروز انتخابات ۸۴ و۸۸

امـا دیـروز خبرگـزاری ایلنا گزارشـی از سـخنرانی صفارهرنـدی را روی خروجـی خـود قـرار داد کـه وزیر فرهنگ و ارشـاد سـابق انتقادات و هشـدارهایی را این بار متوجـه خودی‌ها کرد. وی که برای سـخنرانی در همایش دانشـجویی با عنوان «طرح ولایت» که در سالن آمفی‌تئاتر مرکزی دانشـگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) قزوین برگزار شـد، به این شهر سـفر کرده بود، گفت: بارزترین مشخصه انقلاب اسلامی فرهنگی بودن آن است. رهبران انقلاب بیش از هرچیز دارای مشـخصه فرهنگی هستند. وی اضافه کرد: با توجه به این موضوع، یکی از کسانی که مسوولیت وزارت فرهنگ و ارشاد را در دهه ۶۰ برعهده داشت، بعد از مدتی اعلام کرد باید در این وزارتخانه بسـته شـود و این کار را نیز انجام داد و در آن مقطع این اندیشـه شـکل گرفت که ما باید از صفر برای فرهنگ مطلوب کار کنیم. وزیر سـابق فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به لزوم توجه به اصالت در فرهنگ تصریح کرد: آیا می‌توانیم بگوییم نظام اسلامی داریم ولـی فرهنگ آن را از هر گوشـه‌ای بگیریم یا باید فرهنگ مبتنی بر نگاه ملی و اعتقادی خود داشـته باشیم در حالی که دنیای بیرون ما نیز می‌گوید فرهنگ ما متاثر از دیدگاه تاریخی ماست. صفارهرندی تاکید کرد: مشکل بعضی آقایان حالت وادادگی، هراس و تحت تاثیر ارعاب دشمن واقع شدن اسـت. البته برخی نیز شـیفته دنیای غرب هستند و از این راه نان می‌خورند. وی اعلام کرد: مشـکل امروز فرهنگی ما این است که بعضی‌ها فکر می‌کنند مساله فرهنگ به همین سـادگی است که گفته شود هرکه می‌خواهد به اینجا آمده و هرگونه دلش می‌خواهد فعالیت کند، البته درهای کشـور با رعایت چارچوب‌ها به روی همه باز اسـت.

وزیر سـابق فرهنگ و ارشـاد اسلامی با اشاره به دوران تصـدی خود در وزارت فرهنگ و ارشـاد ادامه داد: در آن زمـان حرف‌مان این بود که بر اسـاس ایـن نگرش باید راه شروع شود و به لطف خدا نیز این راه ادامه دارد زیرا دولت دهم نیز ادامه همان مسـیر اسـت یعنی دولت تغییر نکرده اسـت و شـخصیت‌هایی که می‌شناسـیم اکثراً چهره‌های خدوم انقلابی و فرهنگی هسـتند و طبیعی است که همان راه بایـد دنبال شـود. وی تاکید کرد: نمی‌توان پذیرفت که عرصه فرهنگ می‌توانـد از دیگر عرصه‌های حکومتی مجزا باشـد و چون ایران متعلق به همه ایرانیان اسـت اگر کسی طبـق قانون و بـا غیرت جلوی انحـراف فرهنگی را بگیرد، بگوییـم ایـن سـختگیری‌های بیجا موجـب رمیدن مردم می‌شـود. وی با تاکید بر اینکه جلب آرای جماعتی از مردم به قیمت زیر پا گذاشتن اصول پذیرفته اخلاقی و اعتقادی، طبعاً با چارچوب‌های اصول‌گرایی ناسـازگار است، گفت: در مقوله‌هایی مانند فرهنگ عفاف و حجاب اصل کار فرهنگی اسـت و ایجاد انگیزه درونی در افراد که آداب زیسـتن در جامعـه اعتقادی و اخلاقی را رعایت کنند ولی اگر کسـانی برنامه‌ریزی شده به جنگ شکل‌گیری یک نهاد سالم مدنی برخاسته‌اند، باید در مقابل آنها از اقدامات عملی نیز استفاده شـود. صفارهرندی در پاسخ به سـوالی در خصوص صحت سـپردن بودجه فرهنگ به رحیم‌مشایی توضیح داد: ایشان رئیس کمیسـیون فرهنگی اسـت که البته در هیچ دوره‌ای رئیس دفتر رئیس‌جمهور، رئیس کمیسـیون فرهنگی نبوده اسـت. وی با اشـاره به اخبار منتشره در خصوص برخی از اقدامـات فرهنگـی دولت تصریح کرد: بـرای جامعه‌ای که این‌گونه اخبار را دریافت می‌کند، این شبهه به وجود می‌آید که آیا کشتیبان را سیاست دیگری آمده است...؟! وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیح داد: در انتخابات ۸۴ و ۸۸ مـردم آقای احمدی‌نژاد را بـه دلیل اینکه بدون بازی برای کسـب رای مردم و صادقانه پیـش آمد، انتخاب کردند، در حالـی که برخی نامزدهای انتخاباتی برای جلب آرای مردم کارهایی برخلاف شـأن خود کردند.

اگرچـه صفارهرنـدی در این سـخنرانی مطابق سـابق سیاسـت‌های فرهنگی دولت‌های پیشین را نیز به بوته نقد گذاشـت اما انتقاد او از سیاسـت‌های فرهنگی دولت سابقاً متبوعـش نگاه‌هایـی را به خود جلب کـرد. البته این برای نخسـتین باری نبود که صفار لب به انتقاد گشـوده بود اما این بار هم انتقاداتش از صراحت بیشـتری برخوردار بود و هـم‌مرجـع‌ضمیـرش «پیـروزانتخابـات ۸۴و۸۸».

صفارهرنـدی چندی پیش در گفت‌وگـو با فارس عرصه فرهنـگ را یکی از عرصه‌های مغفول و مظلوم توصیف کرده بود که به گفته وی چندان از سوی احمدی‌نژاد مورد توجه قرار نمی‌گرفت: آقای احمدی‌نژاد خیلی در مسائل فرهنگی مداخله نمی‌کردند. من برداشـتم این بود که چون هدف‌گذاری‌های اصلی ایشـان در حوزه‌های دیگر بود ایشان به این حوزه‌های فرهنگـی خیلـی نمی‌رسـید؛ البته گاهی وقت‌هـا که آقای رئیس‌جمهـور را دعـوت می‌کردیم مثلاً شـرکت در برنامه سـمفونی مقاومت انقلاب یا ایثار، می‌آمدند و ضمن استقبال از این موضوعات تشویق و حتی کمک هم می‌کردند که رونق بگیرد، اما این‌طور نبود که به همان میزان که مثلاً در شورای اقتصاد رئیس‌جمهور وقت می‌گذاشت در این عرصه هم وقت بگذارند. شـاید برداشت‌شـان این بود که خب یک شـورای عالی انقلاب فرهنگـی داریم که رئیس‌جمهور هم رئیس آن اسـت و ما وقت کافی در آن حـوزه می‌گذاریم. زمانی بر اثر پیگیری‌هایی که شـد توسط مدیران فرهنگی دولت (ارشاد، آموزش و پرورش و علوم) قرار شـد رئیس‌جمهور بیشـتر در امر فرهنگ مداخله کند. همچنان که رئیس‌جمهور در شورای اقتصـاد می‌آید تصمیمات کاملاً عملیاتـی در عرصه اقتصاد می‌گیـرد در حوزه فرهنـگ هم بیاید تصمیمـات عملیاتی بگیرد، بن‌بست‌شکنی‌هایی شود و یک مقدار موانع از سر راه برداشته شـود که این منجر شد به تشکیل شورای فرهنگی در دولت (به غیر از کمیسـیون فرهنگی) که در واقع بیشـتر کمک‌های مدیریتی می‌کرد. چند جلسه هم تشکیل شد، گاهی این جلسات صبح بود و گاهی ظهر، ولی خیلی کار این شورا نگرفت. گمان من این بود که هم آقای احمدی‌نژاد از یک سو دوسـت داشـت که به صورت جدی‌تر در حوزه‌های فرهنگی وارد شـود و مداخله کند و از سـویی دلمشغولی‌های دیگری داشـت که به قدر کافی وقت او را می‌گرفت و شاید از همان دو سال پیش که به فکر هدفمند کردن یارانه‌ها افتادند، ذهن ایشـان درگیر آن حوزه‌ها بود و به صورت کامل نمی‌رسیدند خیلی در این عرصه وقـت بگذارند و حاصلش بی‌مهری‌های این گونه می‌شد. با رقم کمی می‌شد فرهنگ را از مظلومیت و غربت (از نوع مالی) نجات داد.اگرچه صفار در آن گفت‌وگو تاکید کرد سیاسـت‌های فرهنگی دولت نهم و دهم تغییری نکرده و دیروز هم بر این موضوع پای فشرد .

لاریجانی یک قانون دیگر را ابلاغ کرد

با ابلاغ قانون تجمیع انتخابات شوراها و ریاست‌جمهوری از سوی لاریجانی، تعداد قوانین ابلاغی از سوی رئیس مجلس به جای رئیس قوه مجریه به عدد پنج رسید؛ قوانینی که یک به یک مهلت‌شان بر اساس ماده (۱) قانون مدنی به سر می‌آید و برای درج از سوی لاریجانی به روزنامه رسمی ارسال می‌شوند.

رئیـس مجلس برای پنجمین بار طی نامه‌ای به مدیرعامل روزنامه رسـمی کشـور قانون دیگری را ابلاغ می‌کند. این بار اصلاح قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شـوراهای اسـلامی با دوره یازدهم ریاسـت‌جمهوری مصوب ۱۳۸۷ برای درج در این روزنامه ابلاغ شد.

متن نامه ابلاغی رئیس مجلس به این شرح است:

مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

با توجه به انقضای مهلت مقرر در ماده (۱) قانون مدنی و در اجرای مفاد تبصره ماده (۱) قانون مذکور، یک نسخه تصویر قانون «اصلاح قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شـوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاسـت‌جمهوری مصوب ۱۳۸۷» برای درج در روزنامه رسمی ارسال می‌شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی، علی لاریجانی

قانون اصلاح قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شـوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۸۷

مادەواحده- قانون تجمیع انتخابات دوره پنجم شـوراهای اسلامی با دوره یازدهم ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۸به شرح ذیل اصلاح می‌شود: با افزایش طول دوره سوم شوراهای اسلامی، شهرداران و دهیاران تا برگزاری انتخابات دوره یازدهم ریاست‌جمهوری، انتخابات دوره چهارم شوراهای اسلامی و دوره یازدهم ریاست‌جمهوری همزمان برگزار می‌گردد.

تمدید دوره مـدیریت شـهرداران و دهیـاران مانع اختیار شـوراها برای نظارت و اسـتیضاح نیسـت. تبصره- شروع به کار دوره چهارم شـوراهای اسـلامی، یک ماه پس از آغاز دوره ریاسـت‌جمهوری یازدهم خواهد بود. قانون فوق مشـتمل بر مادەواحده و یک تبصره در جلسـه علنی روز چهارشنبه مورخ دوم تیرماه ۱۳۸۹ مجلس شـورای اسـلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۶ به تایید شـورای نگهبان رسـید. بر اساس ماده (۱) قانون مدنی مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسـی پس از طی مراحل قانونی بـه رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شـود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ کند و دستور انتشارش را صادر کند و روزنامه رسـمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ آن را منتشر کند. در تبصره این ماده تصریح شده است: در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دسـتور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف اسـت ظرف مدت ۷۲ سـاعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید. طبق ماده (۲) قانون مدنی قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراست مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. قوانین «اختصاص دو میلیارد دلار به مترو»، «الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسـیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به ویژه دولت اشـغالگر امریکا»، «قانون شناسـایی و حمایـت از مصدومان شـیمیایی»، «حضور بانک‌های خارجی در ایـران» و «تجمیع انتخابات شـوراها و ریاسـت‌جمهوری» پنج قانونی هستند که تاکنون از سوی رئیس مجلس به جای رئیس‌جمهور ابلاغ شده‌اند. رئیس‌جمهور در یک زمان مشخصی بایـد قانون را ابـلاغ کند که اگر در این موعد مقرر ابلاغ قانون صورت نگیرد، از طریق رئیس مجلس قانون ابلاغ می‌شود، متن قانون این را می‌گوید. بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پـس از طـی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوای مجریه و قضائیه ابلاغ می‌شود. اصل ۱۲۳ قانون اساسی نیز تصریح دارد: رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسـی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسوولان بگذارد.

پارکی برای نوزادان یک میلیون تومانی

فرناز حسـنعلی‌زاده: ۱- ترافیک اتوبان تهران- کرج نزدیک ورودی و خروجـی پارک ارم از آن ترافیک‌های متفاوت و البته اعصاب‌خردکنی اسـت که به جرات می‌توان گفت جنسـش با جنس تمام ترافیک‌های پایتخت و مسیرهای منتهی به پایتخت فرق دارد، چراکه اگر به جبر زیسـتن یا فعالیت در شـهری که حتی پیاده‌روهایش هم ترافیک است، پذیرفته باشی گاهی حتی پشت چراغ‌های سـبز هم ترافیک است و خودروها متوقف، اما کمتر پذیرفتنی است در اتوبانی که خودروها در آستانه آن نفس می‌کشند و راننده هم با بالا بردن دنده‌ها تلافی همه ترافیک‌ها را درمی‌آورد یکدفعه ناچار به توقف شوی، آن هم به خاطر اینکه یک عده که نه به اندازه تو عجله دارند و نه به اندازه تو کار، تصمیم گرفته‌اند اندکی خوش بگذرانند. به همین خاطر وقتی اول فکر می‌کنی ترافیک به خاطر تصادف و حادثه جاده‌ای اسـت و بعد می‌بینی نه، عده‌ای می‌خواهند ساعتی از تعطیلی و فراغت‌شان را در تفریحگاهی بگذرانند که سر راهت قرار دارد، دلت می‌خواهد اگر نمی‌توانی راه را باز کنی لااقل زبان باز کنی تا...

۲- روزهای تعطیل اگر برای اغلب مردم روز فراغت و تفریح هم نباشـد حداقل گذراندن ۲۴ ساعت بدون دغدغه کار است، اما آنهایی که اندکی با روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگارها آشنا باشند، می‌دانند روزهای تعطیل برای این قشر نه‌تنها روز تعطیل نیست بلکه روز کار دوبرابر است، چراکه برای آنکه اولین روز کاری بعد از تعطیلات، روزنامه به دسـت خواننده برسـد باید روز تعطیل بر سر کار حاضر بود. از این رو است که تقویم کاری و تعطیلی روزنامه‌نگارها اندکی متفاوت و ویژه است. بر اساس این تقویم، پنجشـنبه، جمعه روزنامه‌نگاران است و جمعه اولین روز کاری و باز هم بر اساس این تقویم روزنامه‌نگاران یک روز قبل از عید فطر، یک روز قبل از عید قربان، ۱۴ شعبان به جای نیمه‌شعبان و ۱۲ رجب به جای ۱۳ رجب تعطیل‌اند و به جای آن فردا روزش باید کارشان را شروع کنند. (البته از قلم نیفتد دو روز عاشورا و سیزده‌بدر را که کار کردن در آن خیلی سخت‌تر از بقیه روزهای تعطیل اسـت.) بنا بر همین تقویم متفاوت بود که نیمه شعبان امسال در دفتر روزنامه حاضر بودیم تا برای فردایش که می‌شد چهارشنبه روزنامه دربیاوریم. روزنامه‌ای که فردای روز تعطیلات به دست خواننده می‌رسد و به دلیل تعطیلی «دو روزنامه» است؛ یعنی اخبار دو روز تعطیل و غیرتعطیل. و البته اگر این تعطیلی‌ها زیاد باشـد، می‌شود چند روزنامه. مثل روزنامه‌ای که چهاردهم فروردین روی دکه می‌رود و «سـیزده روزنامه» اسـت و باز هم بر اسـاس همه اینها، نیمه شـعبانی که گذشت به همراه دیگر روزنامه‌چی‌ها مشـغول انتخاب، تهیه و تنظیم خبرهای دو روز شدیم، اما یکی از خوبی‌هایی که این روزهای تعطیل دارد پایان زودهنگام اخبار اسـت چون به دلیل تعطیلی مراکز و نهادهای رسمی و قوای سه‌گانه چندان مراسم، سخنرانی یا خبری نیست و از همین رو می‌شود به قولی کرکره را زودتر از همیشه پایین کشـید. باز هم بر اسـاس همین نیمه شعبانی که گذشت و ما همراه دیگر روزنامه‌چی‌ها خبر دو روز را انتخاب، تهیه و تنظیم کردیم، زودتر از روزهای دیگر هفته کرکره را پایین کشیدیم که البته همین زود هم به ساعت ۱۱-۱۰ شب کشید.

سـختی کار در روز تعطیـل و کار دوبرابـر بـرای کمتـر روزنامه‌نگاری در این سـاعت رمق می‌گذارد. از همین رو وقتی سوار خودرو می‌شوی به جای نشستن، پخش می‌شوی، چشم‌ها را می‌بندی و آرزو می‌کنی کاش افسانه کودکی حقیقت داشت و به یک چشم برهم زدن می‌رسیدی... و می‌رسی اما وقتی چشم بـاز می‌کنی می‌بینی توقف خودرو به خاطر رسـیدن به مقصد نبوده، به خاطر این بوده که یک عده که مثل تو سر کار نبوده‌اند هوس کرده‌اند دست زن و بچه‌هایشان را بگیرند و چند ساعتی خوش بگذرانند و چه پارکی بهتر از ارم. و البته پیه ترافیکش را هم به تن‌شان مالیده‌اند.

۳- ترافیک، اتوبان بسته، ارم، خبر، روزنامه... در ترافیک همه چیزهای بی‌ربط به هم مربوط می‌شود یا حداقل مخلوط. یکباره یکی از خبرهایی که همان روز تنظیم کرده بودیم به یادم آمد. محمود احمدی‌نژاد امروز (نیمه شـعبان) طرح تامین آتیه مهر امام رضا(ع) را افتتاح کرده بود؛ طرحی که بنا بر آن دولت به هر نوزادی که در سال ۸۹ به دنیا بیاید یک میلیون تومان خواهد داد. البته اصل خبر چند وقتی است که واکنش‌هایی را به دنبال داشته. رئیس‌جمهور اوایل امسال هنگامی که در سومین دور از سفرهای استانی به آذربایجان غربی رفته بود در جمع ارومیه‌ای‌ها اعلام کرد از آنجا که دولت سیاسـت کنترل موالید را سیاسـت درستی نمی‌داند در جهت تشویق خانواده‌ها به فرزندپروری بنا دارد به هر نوزادی که امسـال متولد شـود یک میلیون تومان بدهد. البته به گفته وی، این مبلغ مستقیماً پرداخت نشده و به حسـاب بانکی‌ای ریخته می‌شود که به نام نوزاد افتتاح خواهد شد. بنا بر این طرح دولت هر سال مبلغی حدود ۱۰۰ هزارتومان به این حساب اضافه خواهد کرد تا در کنار اعتباری که ماهیانه از سوی خانواده نوزاد واریز می‌شود پس‌انداز و سرمایه‌ای باشد برای دوران جوانی نوزاد؛ سـرمایه‌ای کـه به گفته احمدی‌نژاد ۱۲۰ میلیون تومان اسـت که صرف مسکن و اشتغال و ازدواج خواهد شد؛ وعده‌ای که اگرچه واکنش‌های مخالف و موافقی را به دنبال داشـت اما مانع از این نشد تا احمدی‌نژاد نیمه‌شعبان امسال حساب بانکی ۱۲ نوزاد را افتتاح نکند. وی در این مراسم با انتقاد از منتقدان که به گفته او «خود را جای خدا نشانده‌اند» شعار کافی دانستن دو بچه را طرحی «استعماری» خواند و گفت: «در نگاه مادی این تصور وجود دارد که عده‌ای هسـتند که به مردم روزی می‌دهند. مثلاً دولت‌ها هسـتند که به مردم روزی می‌دهند در حالی که در نگاه الهی روزی‌دهنده خداوند است... در واقع در نگاه مادی عده‌ای خود را جای خداوند نشـانده‌اند و فکر می‌کنند خداوند نیز مانند آنها ضعیف و محدود است. چطور گفته‌اند دو بچه کافی است، بروید کیفتان را بکنید؟! کیفی وجود ندارد. کدام میراث ارزشمندتر از فرزندان صالح؟!...»

۴- نخیر این ماشین قصد تکان خوردن ندارد. تلاش می‌کنم حـالا که نه می‌توانم راه را باز کنم نه به خاطر حفظ ادب زبانم را، بـه یک موضوع دیگر فکـر کنم، به همین پارک، به روزها و شب‌هایی که اعصاب‌خردکن نبود. روزهایی که بعضی از آنها نه در یـاد که در قاب عکس‌ها و تصاویر مانده، همان روزهایی که باید «بزرگ‌تر»ی کنار «اسبی» که به جای یورتمه رفتن به کمک میله‌ای بالا و پایین می‌رفت، می‌ایستاد یا روی صندلی کوچک «فیل و زنبور» می‌نشسـت تا بخندی و کودکی کنی؛ روزهایی که ته‌مایه طعمش هنوز زیر دندان آنهایی که در روزگار کودکی سری به این پارک زده‌اند، مانده.

۵- چشـم را کـه بـاز می‌کنـم هنـوز ترافیک اسـت اما اعصاب‌خردکنی‌اش کم شده. حالا آنها که آمده‌اند به نظرم یک عده آدم بیکار نیسـتند. بزرگ‌تر‌هـا آمده‌اند برای کوچک‌ترها، کوچک‌ترهایـی که یـک روز نوزاد بودند و یـک روز هم جوان می‌شوند. جوان هم که بشوند به قول پیرترها آتیه می‌خواهند.

۶- پشـت ترافیک که باشـی ارتباط هر چیزی با هر چیزی ممکن می‌شـود. مثل این آتیه، به صندوق «آتیه» و پارک ارم و یک سـوال که نوزادها قبل از آنکه جوان باشند و آتیه بخواهند به همین احتیاج دارند، به همین پارک؛ اما نه همین پارک ارم. یاد حرف یکی از دوستان افتادم که وقتی می‌خواست از خاطرات فرنگستان‌اش بگوید یک جمله کوتاه می‌گفت که به اندازه ترافیک پارک ارم اعصاب‌خردکن بود: «در خارج برای اینکه تفریح بکنید فقط کافی اسـت از ماشـین پیاده شـوی اما در ایران باید سوار ماشین شوی.» معنا و مفهومش هم راه‌های طولانی و پرترافیکی بود که نه‌تنها مردم گوشـه و کنار پایتخت برای تعطیلات آخر هفته می‌کوبیدند و می‌آمدند بلکه رفتن به پارک ارم تفریح برخی شهرستانی‌هایی بود که چند روزی میهمان تهران می‌شدند و نکته تلخ‌تر اینکه هنوز پارکی با قابلیت‌ها و کارکردهای ارم ساخته نشده و حتی «شهر بازی» اوین که اندکی بار این مجموعه تفریحی را کم می‌کرد، برچیده شد.

فارغ از انتقادها از بار تبلیغاتی وعده یک میلیونی به نوزادان که به اعتقاد برخی از دست‌اندرکاران به انفجار جمعیت می‌انجامد یا غیرقانونی خواندن آن از سوی نمایندگان، «آتیه» هر قشر و صنفی را در نظر داشـتن خوب و پسندیده است اما نوزادان یک میلیونی امروز تا ۱۸ ساله شدن و آتیه خواستن نیازهای دیگری هـم دارند. بعد از این فکرها با خود گفتم اندکی درباره پارک‌ها و بوسـتان‌های پایتخت تحقیق کنم و بعد گزارشـی در این باره بنویسم و البته همان‌گونه که روزنامه‌نگاری امروز اقتضا می‌کند از قبل فکر عواقب و اثراتش باشـم، چرا که برخی خواهند گفت پارک‌ها و بوسـتان‌ها ربطی به دولت ندارد و در حوزه شهرداری اسـت و شهرداری هم آمار بدهد به تعداد و هکتار که بله بعد از ساختن پارک ارم در سال ۱۳۵۰ اینقدر پارک و بوستان تفریحی ساخته شده و صدالبته حرفمان در جدال علمی و آماری شکست خـورده خواهد بود. اما یاد همان حرف اعصاب‌خردکن دوسـت فرنگ‌رفتـه افتادم. حرفی کـه در پس گزندگی‌اش یک حقیقت داشت و روزی پاسخ خود را می‌گرفت که ما هم برای تفریح تنها از ماشین پیاده شویم.

چشمم را می‌بندم. این ترافیک به این زودی‌ها باز نمی‌شود.

مبحث ناتمام خصوصی‌سازی

ادامه از صفحه اول

به جرات می‌توان گفت در مسـیر توسعه اقتصادی و اجتماعی که در بولتن سیاسـت‌های کلی نظام ترسـیم شـده انحرافی آشکار ایجاد شـده است اما چرا این امر بدیهـی توسـط دسـت‌اندرکاران اقتصاد دولتـی انکار می‌شـود، قطعاً آن را باید معطوف بـه حاکمیت اقتصاد سیاسـی دانسـت زیرا یادمان نرفته که در سال ۱۳۵۴ قانون گسـترش مالکیت واحدهـای تولیدی از تصویب قوه مقننه وقت گذشـت کـه به موجب این قانون مقرر شـد ۴۹ درصد مالکیت شـرکت‌های خصوصی الزاماً به کارگران، کشاورزان و عموم مردم واگذار شود و تا ۹۹ درصد مالکیت شـرکت‌های دولتی نیز قابل واگذاری به بخش خصوصی شود مشروط بر آنکه مدیریت همچنان در یـد دولت باقـی بماند. آنچه از این قانون مسـتفاد می‌شود در واقع ادامه و اسـتمرار اقتصاد دولتی است.

ناگفتـه پیداسـت روند رو به رشـد اقتصاد جهانی به ویژه اقتصادهـای نوظهور نظیر چین، هند، برزیل و ترکیه نه بر پایه تصدی‌گری‌های دولتی بلکه در سـایه سیاسـت‌های اقتصادی بازار آزاد که بـر پایه محوریت بـازار رقابتـی و بازیگری پرقدرت بخـش خصوصی در حاکمیت و اسـتقرار قانون اسـتوار است، شکل گرفته. درد اقتصـاد ما تنها مالکیـت دولتی بر ثروت‌های ملی و بنگاه‌های اقتصادی نیسـت بلکه درد بزرگ‌تر، شـیوه مدیریـت اقتصـاد دولتی اسـت که در ارزیابـی هزینه اجتماعـی و فایـده اجتماعـی محـروم کـردن بخش خصوصی از تصدی‌گری اقتصادی است. به همین سبب در برخـی از صنایع از جمله خودروسـازی که پس از نفت شـاید بزرگ‌ترین بخش صنعتی کشور تلقی شود، تنها به انتقال مالکیت درصدی از سـهام بسنده کرده و مدیریت را همچنان در اختیار گرفته است.

این در حالی است که تصدی‌گری یعنی اراده اعمال مالکیت که در ذات مالکیت نهفته اسـت. لذا در انتقال مالکیت، تصدی‌گری به تبع آن منتقل می‌شود مگر آنکه مالک اراده آزاد اعمال مالکیت نسبت به مایملک خود را به دیگری تفویض کند. متاسـفانه در اکثر واگذاری‌های دولتی از جمله سهام خودروسازها چنین منطقی حاکم نیسـت. به همین جهت خصوصی‌سازی بارآور هیچ‌گونه تحولـی در این صنعت نشـده، مدیریت دولتی همچنان استمرار یافته و مصرف‌کنندگان در محدودیت یک بازار انحصاری همـواره تاوان هزینه‌های گزاف پرداخته‌انـد.

گفتنی اسـت یک خودرو پراید در افغانستان حدود ۱/۷ میلیـون تومـان و یـک خـودرو ماکسـیما حدود شـش میلیون تومان عرضه می‌شـود. این به این مفهوم اسـت که یک خودرو داخلی حدود چهار تا شـش برابر قیمت مشـابه خـودرو خارجی بـر مصرف‌کننده ایرانی تحمیل می‌شـود. چرا؟ زیرا در یک بازار منحصر به فرد انحصاری حق انتخاب از مصرف‌کننده سـلب شده است و مصرف‌کننده اجباراً به قیمت‌های دستوری غیربازاری تن درمی‌دهد. این در حالی است که وفق نظریه اقتصاد نئوکلاسـیک قیمت‌هـا در بـازار آزاد رقابتـی عاری از دخالت‌هـای دولتی کارایی بازار را افزایش می‌دهند که منتج به تخصیص بهینه منابع می‌شـود. اما این ظرفیت در اقتصاد برنامه‌ریزی‌شـده غیربازاری و دسـتوری که قیمت‌ها خارج از سـازوکار بازار تعیین می‌شـوند، دیده نمی‌شـود. یکی از مصادیق اقتصاد دستوری غیربازاری سـلب حق انتخاب - کـه از ویژگی‌های رفتاری و جزء حقـوق ذاتی انسان‌هاسـت - از مصرف‌کنندگان اسـت زیرا سـلیقه‌ها و ترجیحـات مصرف‌کنندگان تحت تاثیر شـرایط غیراقتصادی قرار گرفته و محدودیت‌های بازار انحصاری به آنها تحمیل می‌شود.

ناگفتـه پیداسـت تجربـه سـه دهـه بـازار صنعت خودروسازی ایران کافی اسـت تا مهر تایید بر حقانیت ایـن نظریـه اقتصـاد نئوکلاسـیک زده شـود. امـا به نظـر می‌رسـد سیاسـتگذاران اقتصـاد دولتـی به رغم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ همچنان بر ادامه تصدی‌گری و مدیریت بـر بنگاه‌های اقتصادی دولتی و سـازمان‌ها و موسسـات وابسـته اصرار دارند زیرا گرچه در فرآیند خصوصی‌سـازی واگذاری‌هایی انجام داده‌اند، اما حاضر به ترک تصدی‌ها و مناصب مدیریتی نیستند.

لازم به ذکر اسـت به روایت آمارهای دولتی حدود نیمـی از ۶۸ هـزار میلیارد تومان سـهام شـرکت‌های دولتی طی پنج سـال گذشـته از طریق سـهام عدالت واگـذار شـده که صرفـاً انتقـال مالکیت‌هـای خرد به انبوه کسـانی اسـت که هیـچ نقشـی در مدیریت ایفا نمی‌کنند. از سـوی دیگر به گفته رئیس مجلس شورای اسـلامی خصوصی‌سـازی واقعی تنها چهار تا پنج هزار میلیـارد تومـان بـوده کـه کمتر از هشـت درصد کل خصوصی‌سـازی‌های انجام‌شـده را شـامل اسـت. پس نباید انتظار داشـت در فرآیند خصوصی‌سازی به شیوه کنونی تغییرات بنیادین در ماهیت شـرکت‌های دولتی ایجاد و بازار از انقیاد دخالت‌های غیربازاری رها شـود. طبیعتاً واگذاری سـهام دو شـرکت بزرگ خودروسازی بـه ویژه خصوصی‌سـازی اخیـر در همین راسـتا قابل تحلیل اسـت. تداوم حمایت‌های دولتی و استمرار بازار انحصـاری، نادیده گرفتـن حقـوق مصرف‌کننده، عدم نیاز به مشـتری‌مداری، اسـتقرار تعرفه ۹۰ درصدی بر واردات خودرو، سنگ‌اندازی‌های قانونی در ثبت سفارش واردات، افزایـش کمی تولیـد، کیفیت نامرغوب، فقدان اسـتانداردهای جهانی در ایمنی و سـامانه سـوخت و قیمت‌هـای غیرقابل رقابت و دسـتوری از مشـخصات صنعت خودرو کشور طی چند دهه گذشته است.

سال‌هاسـت اتومبیل‌های داخلی به چند برابر قیمت خودروهـای هم‌ردیـف خارجی عرضه می‌شـوند حتی نسـبت به رفع نقص خودروها کـه در مواردی منجر به وقوع تراژدی شده، کسـی پاسخگو نبوده است. این در حالی اسـت که بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین خودروسازهای جهـان در صـورت بروز نقص فنی دسـت بـه فراخوان گسـترده محصولات‌شـان در سراسـر جهان می‌زنند تا حضـور خـود را در بـازار رقابت جهانی تداوم بخشـند زیـرا در غیر این‌صورت در آزمـون رقابت جهانی بازنده خواهند بود.

امـا صنعت خودروسـازی ما سال‌هاسـت در آزمون رقابـت بازارهای جهانی مردود بوده اسـت و به تحقیق مادام که از حمایت‌های مسـتقیم و غیرمستقیم دولتی سود می‌جوید و به ژسـت خصوصی‌سازی اکتفا می‌کند در این صنعت همواره روی پاشنه اقتصاد دولتی خواهد چرخیـد که نتیجه آن تقویـت انحصار دولتی و تحمیل هزینه‌های گزاف آن به مصرف‌کنندگان خواهد بود.

یک پیشنهاد به منتقدان

ادامه از صفحه اول

که برخی تصمیمات و سیاسـت‌ها را اتخاذ و اجرا کنند که در اولین گام‌های اجرا با مخالفت گروه‌های دیگرشـان مواجه می‌شـوند، و بخش‌های دیگر و رقیب نیز متقابلاً واکنش نشان داده و رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند.

از سـوی دیگر کهکشـان فکری و تحلیلی و نیز داده‌های اطلاعاتی آنان بسـیار متفاوت از منتقدان اسـت، به طوری که امـکان درک منطقـی از رفتار آنان را بـرای منتقدان ناممکن می‌کند، لذا رفتن به درون این کهکشان فکری و آشنایی پیدا کـردن با داده‌های اطلاعاتی و آماری که شـکل‌دهنده تحلیل جناح غالب است، برای منتقدان سخت اگر نگوییم، محال است. بنابرایـن به نظر بنده سـاختن بنای تحلیلی و سیاسـی روی پایه‌هایی که یک رکن آن استنباط ناقص از سیاست‌های جناح غالب است، سست و ناپایدار است، و هر آن می‌تواند فرو ریزد. نکته دیگر این اسـت که برخی از راهبردها هستند که انتخاب آنها نیاز بیشتری به شناخت از سیاست‌های طرف مقابل دارد، سیاسـت‌ها و راهبردهای تقابلی و مبتنی بر درگیری، نیازمند شناخت کافی از طرف مقابل است، راهبردهایی هم که ریسک بالاتری دارند، برای کاهش ریسـک و خطر به چنین شناختی نیازمند هستند.

امـا به هر میزان که راهبردهای تقابلی با راهبردهای دیگر جانشـین شوند و ریسـک راهبردهای اتخاذشده نیز کم شود، نیاز کمتری به این شـناخت و لحاظ کردن سیاست‌های طرف مقابل وجود دارد. این‌گونه سیاست‌ها چند ویژگی دارند. تداوم و پایداری، هزینه و تنش کمتر، بازسازی و کسب و افزایش اعتماد اجتماعی و بالاخره صبر و انتظار برای استفاده از فرصت‌ها؛ که وقـوع چنین فرصت‌هایی، به قـول معروف دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد.

برداشـت کلی من این اسـت که منتقـدان در میان‌مدت دست بالاتری را در تعیین مسیر سیاسی جامعه دارند و دلیل ندارد که این امکان را به دلایل تاکتیکی و کوتاه‌مدت وابسـته به شناخت موضوعی کنند که در شرایط کنونی،